



ارتباط دختر و پسر به قصد شناخت یکدیگر

وعده ازدواج و بهانه شناخت خصوصیات رفتاری از مهمترین عواملی است که ارتباط بین دخترها و پسرها را در جامعه ما توجیه می‌کند. بخصوص دخترها که معمولاً با وعده ازدواج تن به دوستی می‌دهند.

اما جوان امروز در ارتباط با جنس مخالف خود به دنبال چیست؟ ازدواج، عاطفه، محبت، وقت‌کشی، عشق یا ...؟

روان‌شناسان معتقدند، میل و کشش به جنس مخالف از نظر فیزیولوژی یک نیاز طبیعی، فطری و روانی است. آنان می‌گویند در تمام فرهنگها و کشورها، پسران و دختران در سن بلوغ اولین نگاه و گرایش را به سوی جنس مخالف ابراز می‌کنند. اما مرز این کشش در هر فرهنگی تعریف شده است، برای مثال در جوامع غربی و سایر جوامع غیرمسلمان ارتباط میان دو جنس مخالف به خود فرد سپرده شده و هر شکلی از این ارتباط مورد پذیرش جامعه و فرهنگ آن است. اما در کشورهای مسلمان و برخی فرهنگها این ارتباط محدود است و در مواردی به فضای سیاسی و

اجتماعي جامعه بستگي دارد اما رابطه دخترها و پسرها در جامعه ي ما چگونه است؟

در گذشته هاي نه چندان دور ارتباط بين پسرها و دخترها مانند امروز مورد توجه نبود. سن ازدواج پايين بود ارتباطات به شکل وسيع نبود، از اين رو کنترل بيشتري بر جوانان صورت مي گرفت، اما واقعيت اين است که بسياري از جوانان امروز در ارتباط هاي خود به ازدواج فکر نمي کنند، به اعتقاد جامعه شناسان در جامعه امروز وجود مسايل اقتصادي، نگاه دوگانه جامعه مدرن و سنتي، فراگيري اطلاعات و دانش و پديده جهاني شدن که مبتني بر ارزشهاي ديني نيست، احساس دو گانه اي را در اين نسل پديدار کرده است.

يك صاحب نظر در اين باره مي گويد: غرايز احساساتي عاطفي و اخلاقي جوان برگرفته از فضيلت هاي نهفته در ذات اوست که با نکات متعالي و دستورات حيات بخش اسلامي مي تواند مورد سنجش عميق قرار گيرد. آنچه که جوان متهور و متحول امروز ايران طلب مي کند، مسلماً آشفتگي ها و نابساماني هاي غربي نيست. وظيفه ي والدين ، مربيان و مسئولان است که در زمينه مسائل جوانان به خصوص ارتباط دختر و پسر، روح، فکر و اخلاق اجتماعي آنان را مدنظر قرار دهند و بر اين محور که بسيار حساس و پيچيده است، براي نشان تعيين تکليف کنند. اگر فرهنگ ازدواج صحيح را به جوان آموزش ندهيم، غرايز جواني او ممکن است رشته اخلاق را گسسته و او را به بيراهه بکشد.

اما آیا ارتباط بین دو جنس همیشه به پیوندهای عاطفی و صمیمانه منجر می شود؟ آیا این نوع ارتباط نمی تواند به زمینه های علمی، فرهنگی و ... محدود باشد؟ يك صاحب نظر در این باره می گوید:

«از آنجا که در جامعه ما نگاه دوگانه ای نسبت به این مسئله وجود دارد، نتوانسته ایم به تعریف قابل قبولی در این باره برسیم به همین دلیل نوع نگاه به دو جنس مخالفی که کنار یکدیگر قرار می گیرند، عمدتاً با سوء ظن و سوء نیت همراه است و به معنای ناخوشایند موضوع یعنی دوست دختر و پسر تعبیر می شود. در حالی که می توان به جوانها آموزش داد که مباحثه و مکالمه با يك غیر همجنس در صورتی که بر محوری صحیح انجام گیرد، شاید حتی مزیت اخلاقی و اجتماعی و شخصیتی برای او و جامعه در برداشته باشد.»

چرا ارتباط ناسالم

برخی کارشناسان تربیتی تحلیل اینگونه رفتارها و تفکرات را به اعمال محدودیت های غیر منطقی به جوانان نسبت می دهند و می گویند که وقتی جوان عرصه را بر خود تنگ ببیند و نتواند خود را از نظر عاطفی و اخلاقی با محیط تطبیق دهد و مربیان، معلمان و برنامه ریزان نهادهای آموزشی و تربیتی نیز نتوانند به احساسات و تمایلات منطقی و احساسی او پاسخ دهند، جوان سرخورده به اجتماع پناه می برد و سعی

می کند چیزهایی را که طی سالهای زندگی از او دریغ شده است به هر ترتیب ممکن حتی با هنجارشکنی به دست آورد.

عده ای نیز تنگناهای اقتصادی، گسترش ارتباطات، فردگرایی و بی تفاوتی به ارزش ها را دلیل این گونه رفتارهای اجتماعی می دانند و معتقدند این دلایل موجب شده بسیاری از جوانان امروزی نسبت به ازدواج دید مثبتی نداشته باشند و به نوعی از زیر مسئولیت تشکیل خانواده شانه خالی کنند. یک روان شناس در این باره می گوید:

«متأسفانه مشکلات مالی و تصویب قوانینی که به نوعی حقوق زنان را در جامعه تضمین می کند از عواملی است که موجب شده پسران زیر بار ازدواج نروند. از سوی دیگر بسیاری از جوانان در این زمانه ترجیح می دهند خوش باشند. از این رو به ازدواج با نگاه منفی می نگرند اما از آنجا که زن و مرد هر دو به هم نیازمندند و رفع نیازهای عاطفی و احساسی آنان در حال حاضر از طریق ازدواج به سختی امکان پذیر است، متأسفانه شاهد گسترش ارتباطات از نوع ناسالم هستیم.»

این روان شناس دلیل این گونه نگرش نسل جدید به ارزشها را بی توجهی مسئولان به نیازهای جوانان می داند و می گوید:

«از آنجا که در موقع بحران نتوانستیم مسائل روز را به موقع هنجاریابی کنیم اغلب جوانان امروزی این حق را برای خود قائل شده اند که به سوی رفتارهای فرد گرایانه گرایش یابند و هنجارهای اجتماعی را نادیده بگیرند.»

وي سوء رفتارها، اضمحلال اخلاقي، رواج بي بندوباري، پريشاني و بي ثباتي احساس و عواطف را از عواقب بي حد و حصر ارتباط جنس ها نام مي برد و مي گويد:

«اگر اينگونه ارتباطات به عادت تبديل شود ديگر چيزي به نام هسته يا كانون خانواده شكل نخواهد گرفت. سن ازدواج بالا مي رود، جنس ها نسبت به هم بي اعتماد و بي تفاوت مي شوند و در نهايت خانواده اي شكل نمي گيرد و به اين ترتيب شاهد گسترش بسياري از مسايل رفتاري، ناهنجاري هاي اخلاقي و حتي بهداشتي در جامعه خواهيم بود. اينجاست كه نقش كارشناسان علوم ديني و تربيتي در هنجاريابي و جايگزيني هنجارهاي متعادل و مرام تربيتي صحيح و متعالي كه مورد پذيرش خانواده، فرد و نهادهاي اجتماعي باشد روز به روز آشكارتر مي شود.

ديدگاه اسلام

به طور طبيعي زن و مرد به عنوان دو پيكره جامعه انساني به زندگي مشترك با يكدیگر نیازمندند . در شرع نیز به پیوند میان این دو سفارش بسیار شده است، از این رو اخلاقي ترين، معنوي ترين و انساني ترين جلوه پیوند زن و مرد در ازدواج تجلي پيدا مي کند و هر نوع رابطه (جنسي) كه خارج از قانون ازدواج باشد، مشكلات متعددي را از لحاظ اخلاقي، اجتماعي و فرهنگي به بار مي آورد.

در جوامع غربی که پایه های اخلاق دینی و مذهبی سست و ضعیف است، رابطه زن و مرد از چارچوب قوانین و هنجارهای موجود تجاوز می کند. به طوری که ارتباط آزاد دختران و پسران به شکل طبیعی و غریزی جریان دارد و از اینجاست که ریشه های فساد اخلاقی شکل می گیرد و بنیاد اجتماعات بشری را متزلزل می کند.

اما اسلام چه حد و مرزی برای ارتباط بین زن و مرد قائل است؟

خداوند در قرآن می فرماید: زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاک هستند و مردان پاک برای زنان پاک. اینان از آنچه درباره ی ایشان می گویند برکنارند، برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود. (نور / ۲۶)

از دیدگاه اسلام ارتباط دوستانه و صمیمی میان دو جنس مخالف فقط در چارچوب ازدواج معنا دارد. البته حضور در اجتماع با رعایت موازین اسلامی و حفظ حجاب ظاهری و درونی در عرصه های علمی و مشارکت های اجتماعی قابل قبول است. اما خارج از این چارچوب برای ایجاد ارتباط، اسلام ازدواج موقت یا دائم را توصیه می کند. از این رو در اسلام رابطه دوستی بین دختر و پسر معنا ندارد. اما به شرط رعایت ضوابط اسلامی منعی برای این ارتباط نیست و چه بسا اینگونه ارتباطات زمینه ساز دوستی های فکری، معنوی و عقلی هم بشود.

اما وقتي جوانان تن به ازدواج دائم نمي دهند و جامعه قدرت پذيرش ازدواج موقت ، بخصوص در مورد دختران را ندارد، براي پاسخ به نياز جوانان و سر و سامان دادن به رابطه دختر و پسران چه بايد كرد؟

خداوند در اين باره مي فرمايد : به مردان با ايمان بگو ديده فرو نهند و پاكدامني ورزند كه اين براي آنها پاكيزه تر است ، زيرا خدا به آنچه مي كنند آگاه است و به زنان با ايمان بگو كهديدگان خود را از هر نامحرمي فرو بندند و پاكدامني ورزند و زيورهاي خود را آشكار نگردانند مگر آنچه كه از آن پيدااست.... (نور / ۳۰ و ۳۱)

و در ادامه مي فرمايد : كساني كه وسيله ي زناشويي نمي يابند بايد عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خويش بي نياز گرداند... (نور ۳۳)

اساس هر نظمي در جهان به نظم در رابطه دو جنس مخالف بر مي گردد. اگر اين نظم برقرار نشود جامعه به سوي انحطاط مي رود. مشكل اين است كه ما در بسياري از موارد بخصوص در مورد مسائل اقتصادي از غرب الگو گرفته ايم كه اين مورد موجب بسياري از ناكامي هاي اقتصادي و فاصله طبقاتي و فقر در جامعه شده است، در حالي كه اگر موازين الهي و اسلامي در جامعه پياده شود، شاهد اين بحرانهاي نيستيم. يك جوان وقتي عدالت اسلام را ببيند، خودش مي خواهد روابط آزاد نداشته باشد و اين قيد را با طيب خاطر مي پسندد. اين يك اصل رهايي بخش است كه نبايد با جنس مخالف ، ناسالم برخورد كنيم. در عين حال جامعه نيز بايد بسترسازي كند تا شرايط ازدواج دائم فراهم شود. اما در يك كلام براي

حل بحران های اجتماعی ، راهی جز بازگشت به مبانی سنتی و سنت
های اصیل دینی نداریم.

TeByAn.net
www.tebyan.net